

بایزید بسطامی در آثار منشور فارسی
تا قرن هفتم هجری قمری

www.ketab.ir

احمد بهزادی

نرگس صالحی



انتشارات پل

سرشناسنامه:	بهزادی، احمد، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور:	بایزید بسطامی در آثار منثور فارسی تا قرن هفتم هجری قمری /
مشخصات نشر:	احمد بهزادی، نرگس صالحی.
مشخصات ظاهری:	تهران: انتشارات پل، ۱۴۰۰.
شابک	۱۷۸ ص.
وضعیت فهرست نویسی:	978-964-233-350-9
یادداشت:	کتابنامه، ص. ۱۷۷.
موضوع:	بایزید بسطامی، طیفور بن عیسی، ۴۱۸۸ - ۲۶۱ ق.
موضوع:	بایزید بسطامی، طیفور بن عیسی، ۴۱۸۸ - ۲۶۱ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع:	عارفان -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع:	صالحی، نرگس، ۱۳۷۰ -
رده بندی کنگره:	BPF/۲۷۸
رده بندی دیویی:	۱۸۲۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	۵۲۱۴۷۱۳

بایزید بسطامی در آثار منثور فارسی تا قرن

هفتم هجری قمری

مؤلفان: احمد بهزادی - نرگس صالحی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۳-۳۵۰-۹

سال چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۳۰۰۰ تومان

instagram: poul_publication



«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤلفین می‌باشد»

آدرس: انقلاب - خیابان لبافی نژاد - بین خیابان فخررازی و خیابان

دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - طبقه دوم - واحد ۴ - تلفن: ۶۶۴۶۹۶، ۸

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۱.....	فصل نخست: بایزید در آینه روزگارش
۱۳.....	زندگی نامه
۲۱.....	بایزید در آینه روزگارش
۲۶.....	پیروان و مریدان بایزید
۳۰.....	مخالفان و موافقان بایزید
۳۹.....	فصل دوم: عقاید و اندیشه‌های بایزید
۴۱.....	عقاید و اندیشه‌های بایزید
۴۱.....	توحید از نظر بایزید
۴۴.....	جایگاه عشق در عرفان بایزید
۴۷.....	بایزید، بنیانگذار سکر و فنا
۵۰.....	شطحات بایزید
۵۵.....	معراج بایزید
۵۹.....	رفتارهای ملامتیوار
۶۱.....	احترام به پدر و مادر

پیشگفتار:

ابویزید طیفور بن عیسی بن آدم بن سروشان معروف به بایزید بسطامی ملقب به سلطان العارفین از جمله‌ی اولین مشایخ صوفیه و جزء بزرگ‌ترین عارفان قرن سوم هجری بوده که در حدود سال‌های ۲۳۴-۱۶۱ می‌زیسته است. اندیشه‌ها و گفتارهای بایزید از منظرهای گوناگون قابل بررسی است به ویژه این‌که در میان هم‌عصران و متأخران وی نیز دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آراء و افکار بایزید وجود داشته است. این نکته روشن می‌سازد که وی در میان اهل تصوف جایگاهی والا داشته که بیشتر عارفان و علمای شریعت مدار درباره‌ی وی سخن‌انده‌اند و هریک به شیوه‌ی به تعریف و انتقاد پرداخته‌اند. برای نمونه در تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری، احوال و اقوال وی به تفصیل بیان شده اما درباره‌ی عارفی دیگر تا بدین حد سخن نرفته است.

بایزید خود دست به تألیف نزده و هرچه از گفتار و کردار او باقی مانده، به نقل از دیگران است. اهمیت مقام بایزید چنان بالاست که تقریباً در تمامی کتاب‌های عرفانی به نام او و رفتار و کلامش اشاره شده است. نکته‌ی بسیار جالب توجه و مهمی که درباره‌ی بایزید وجود دارد این است که او نه تنها در بین عارفان پس از خود، بلکه نزد معاصران خود نیز از عظمت و جایگاه بالایی برخوردار است. از بین معاصران بایزید، عارفانی همچون ذوالنون مصری، سهل بن عبدالله تستری، یحیی بن معاذ رازی و احمد بن خضرویه بلخی به عظمت مقام او اعتراف داشته‌اند. ضمن آنکه بسیاری از

عارفان پس از او نیز مانند ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر و جتید و محمد غزالی و عطار و عین القضاة و شمس تبریزی و مولوی از شیفتگان بایزید بوده‌اند و همه جا با احترام از او یاد کرده‌اند.

البته بایزید مخالفانی هم داشته است، هرچند تعداد معاندان و تکفیرکنندگان در مقایسه با شیفتگان و ارادتمندان بسیار کمتر است. دلیل این مخالفت را می‌توان در برخی گفتارهای به ظاهر ضد دین بایزید بازجست. نکات برجسته‌ی بسیاری در مشرب عرفانی بایزید به چشم می‌خورد؛ از جمله مبحث توحید، جایگاه عشق نزد بایزید، بنیان‌گذار سکر و فنا بودن، رفتارهای ملامتی وار و در کنار آن رعایت اصول شریعت. اما از برجسته‌ترین نکات در عرفان بایزید، شطح‌گویی اوست که به نوعی با شریعت ناسازگار است و موجب مخالفت و دشمنی قشری‌گرایان شده است. این مخالفت گاه چندان شدت می‌یافته که به صدور فتوای قتل شخص شطح‌گو انجامیده است. به هر حال به سبب اهمیت بحث، بخشی را نیز به مخالفان و معاندان بایزید اختصاص دادیم.

در بعضی از کتب عرفانی بخش مستقلی به بایزید اختصاص یافته است، مثل رساله‌ی قشیریه. موضوع اصلی این کتاب در باب اصول تصوف است که به دلیل اهمیت و عظمت بایزید، بخشی با عنوان «ذکر بایزید» در آن درج شده است. در برخی دیگر از کتاب‌ها نیز مثل تذکره‌الاولیاء که ذکر هر کدام از عارفان به طور جداگانه آمده است، تعداد صفحاتی که به بایزید اختصاص داده شده، نشان‌دهنده‌ی اهمیت جایگاه وی در عرفان اسلام و ایران است. در کتابی همچون اسرار التوحید نیز که موضوع آن بیان مناقب عارفی دیگر، یعنی ابوسعید ابوالخیر است، باز هم شاهد

اشاره به نام بایزید و حکایاتی درباره‌ی وی هستیم که نشان می‌دهد احترام بایزید نزد عارف بزرگی چون ابوسعید بسیار بالا بوده است.

همان گونه که گفته شده از بایزید حکایت‌های مختلفی نیز نقل شده است که هر کدام بیانگر کردار و رفتار او و نوع نگاه دیگران به اوست؛ مثل تلاشی که خواجه عبدالله انصاری برای تربته‌ی بایزید از اتهام ضد دین بودن انجام می‌دهد یا حکایتی در اللمع که حاکی از دفاع ابونصر سراج از بایزید در برابر تکفیر کنندگان اوست. برخی حکایات نقل شده درباره‌ی بایزید، حاوی گفتار یا رفتاری ظریف است که مخاطب را به اعجاب وامی‌دارد. نمونه‌ی چنین حکایاتی درباره‌ی عارفان بزرگ اندک نیست، چنانکه ابوسعید نیز چنین حکایت‌هایی دارد. به نظر می‌رسد مناقب‌نویسان اراکتمند در شکل‌گیری چنین حکایت‌هایی بی‌تأثیر نباشند. چند مورد از این حکایت‌ها را که درباره‌ی بایزید می‌باشد، تفسیری آورده است. عطار نیشابوری نیز حکایات مربوط به بایزید را از بدو ولادت تا دوره‌ی پس از مرگ او ذکر می‌کند. عطار حتی درباره‌ی تولد او و پیش از تولد یعنی وقتی که در شکم مادرش بود، حکایاتی را بیان می‌کند که ارتباط مستقیمی با روش عرفانی و همچنین مقام بایزید دارد. حتی درباره‌ی گرایش بایزید به عرفان و سیر و سلوک در راه حق نیز به نقش مادر او اشاره شده است. هر چند عطار تنها به یک حکایت اکتفا نکرده و چند دلیل مختلف را در انگیزش بایزید و آغاز سیر و سلوک او بیان کرده، ولی آنچه در تمام این حکایات مشترک است نقش مادر بایزید است.